

شناخت بستر طرح

ناهید صادقی پی *

تاریخ دریافت مقاله:

۱۳۸۹/۰۷/۱۷

تاریخ پذیرش مقاله:

۱۳۸۹/۱۰/۰۵

چکیده

در مسیر طراحی معماری، اولین مرحله یعنی مرحله جمع‌آوری اطلاعات و کسب شناخت کامل و دقیق از تمامی عوامل اثرگذار در طراحی از اهمیت بسیاری برخوردار است. هر چقدر که طراح نسبت به موضوع طرح خود احاطه داشته باشد و بر تمامی ابعاد و وجوه دخیل در آن به خوبی واقف باشد، طرح وی از نکته‌سنجی بیشتری بهره‌مند شده و به مسائل متعددی پاسخگویی خواهد داشت.

در این راه دو گونه اطلاعات به طراح کمک بسیاری خواهد کرد و برای او راهگشا می‌باشد. اولین دسته اطلاعات لازم برای شناخت، اطلاعات مربوط به استفاده‌کنندگان یک بنا و کلیه نیازهای فیزیکی و روحی و روانی آن‌ها می‌باشد. این اطلاعات برای طراح روشن می‌سازد که چه چیزی را باید طرح کند؟ دومین دسته اطلاعات لازم برای شناخت، اطلاعات مربوط به بستر طرح و ویژگی‌های مکانی است که ساختمان در آن‌جا بنا می‌گردد. این اطلاعات برای طراح روشن می‌سازد که چگونه طرح کند؟ در جمع‌بندی پاسخ‌های دو پرسش فوق: ۱- چه چیزی را طرح کنم؟ و ۲- چگونه طرح نمایم؟ طراح می‌تواند تصمیم نهایی و مناسب را در مسیر طراحی خویش اخذ نموده و آن را پیگیری نماید. مقاله حاضر سعی دارد که به دومین دسته اطلاعات، اطلاعات مربوط به بستر طرح، نظری داشته و در این راستا نکاتی را بیان نماید.

واژگان کلیدی: راز، سادگی، گل، معماری، روستا.

* استادیار دانشکده معماری و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه شهید بهشتی.

مقدمه

هر ساختمانی در زمینی مشخص و دارای ویژگی‌هایی خاص، بنا می‌گردد. شرایط خاص حاکم بر زمین و یا به عبارتی دیگر مشخصات بستر طرح اثر زیادی در تصمیم‌گیری و انتخاب‌های طراح و در نتیجه بر چگونگی طرح ارائه شده توسط وی دارد. پیروی از این رویه می‌تواند سبب گردد که پیوند خوبی بین ساختمان و بستر آن به‌وجود بیاید و این دو بتوانند با سازگاری در کنار هم برقرار بمانند. اطلاعات بستر طرح دو گونه مشخصات متفاوت را شامل می‌گردد. دسته اول امکانات مثبت و مفید زمین را در برمی‌گیرد که شایسته است به خوبی از آن‌ها بهره‌برداری شده و با دقت در طرح مورد استفاده قرار گیرند. دسته دوم مواردی را پوشش می‌دهد که در زمره نقاط ضعف و منفی زمین به حساب آمده و لازم است که با پیش‌بینی راهکارهای مناسب و خلاقانه معماری، اثرات نامناسب آن‌ها را خنثی نمود و یا تا حد امکان به پایین‌ترین درجه ممکن تقلیل داد. از جمله مثال‌های دسته اول می‌توان به وجود درختان زیبا در زمین و وجود منظرهایی طبیعی و خوشایند در بستر طرح، و به منظور ذکر نمونه‌ای از موارد دسته دوم می‌توان به وجود سر و صداهای مزاحم در اطراف زمین طرح، اشاره داشت. مشخصات بستر طرح مسائل بسیاری را در بر می‌گیرد از مسائل ریز و ابتدایی نظیر ابعاد و اندازه و فرم زمین، تا مواردی کلی‌تر نظیر چگونگی همسایگان اطراف زمین و نوع بافت و شبکه ارتباطی پیرامون آن، و تا شرایطی در مقیاس کلان‌تر نظیر اطلاعات اقلیمی و ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی حاکم بر محل، همگی در این مقوله جای می‌گیرند. هر یک از این مشخصات در تصمیم‌گیری‌های مربوط به سطحی خاص و جنبه‌ای به‌خصوص از طراحی بنای مورد نظر تأثیر داشته و در ظهور فکر و ایده‌ای سازگار و جوابگو با آن شرایط

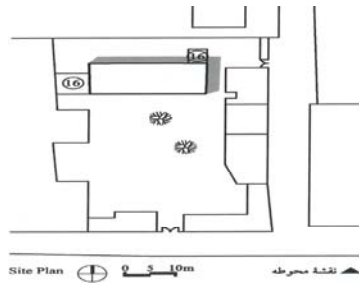
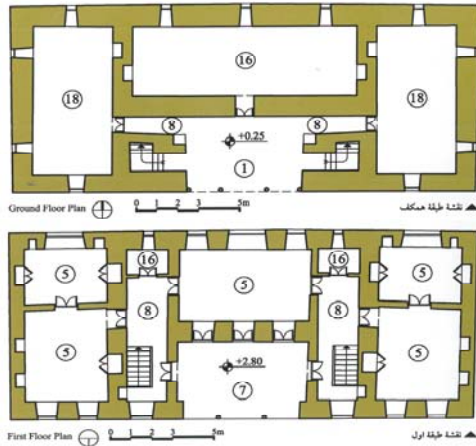
دخیل می‌گردد. (La Gro Jr., 2001) به منظور روشن شدن هر چه بیشتر، توضیحاتی در ادامه بیان می‌شود. برای نظم بخشیدن به این امر توضیحات از جزء به کل و در قالب ترتیب عناوین زیر ارائه می‌گردند.

۱. شکل و ابعاد بستر طرح
۲. شیب زمین و جنس خاک
۳. عناصر طبیعی و مصنوع موجود در بستر
۴. ویژگی‌های محیط طبیعی بستر
۵. ویژگی‌های فیزیکی اطراف بستر
۶. ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی پیرامون بستر

روش تحقیق

انگیزه نگارش این مقاله، پس از برخورد ملموس با مشکلات حاصل از عدم شناخت دقیق بستر طرح و نداشتن اطلاعات مربوطه، شکل گرفته است. نگارنده که سالهاست به‌عنوان مدرس کارگاه طراحی معماری در دانشگاه مشغول به تدریس است، همواره شاهد اثرات مثبت این شناخت در پیشبرد فرایند طراحی دانشجویان عزیز و ارائه طرح‌هایی خلاقانه و منطقی‌تر بوده است.^۱ این تجربه مدت‌هاست که توسط دیگران نیز کسب شده و در راستای آن تحقیقات و بررسی‌های گوناگونی صورت گرفته و کتب و مقالات زیادی به رشته تحریر درآمده است. موارد ارائه شده در فهرست منابع پایانی، تنها چند نمونه محدود از آن‌ها می‌باشد که به‌منظور تهیه مقاله پیش روی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. به این ترتیب مطالب ارائه شده در این نوشتار، حاصل تجربیات شخصی نگارنده از یک سو، و جمع‌بندی از اطلاعات منابع مذکور و برخی سایت‌های اینترنتی از سوی دیگر است.

۱- شکل و ابعاد بستر طرح



(حالت ۲)

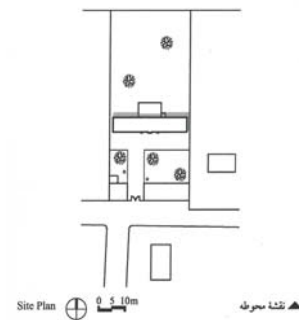
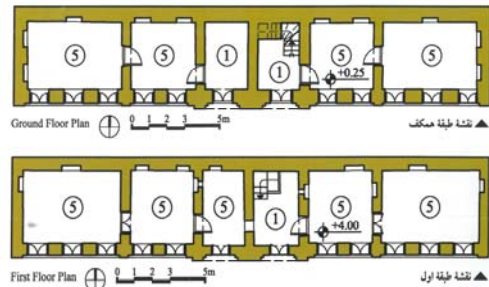
تصویر ۱. تأثیر نوع استقرار بنا در سایت (در حالت ۱ خانه در میان باغ واقع شده و در جلو یک حیاط ورودی و در پشت یک حیاط خصوصی دارد. ولی در حالت ۲ خانه در انتهای باغ نشسته و در جلو یک حیاط بزرگ و عمومی دارد).

۲- شیب زمین و جنس خاک

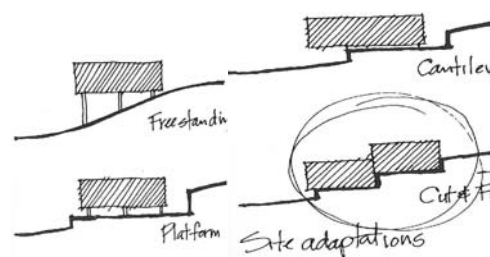
زمین‌های صاف و هموار و بدون هیچ‌گونه شیب با زمین‌های شیب‌دار و دارای پستی و بلندی کاملاً متفاوت بوده و قابلیت‌های گوناگونی را برای بهره‌برداری در اختیار طراح بنا قرار می‌دهند. (تصویر ۲) برای مثال در زمین‌های شیب‌دار نقطه بلند و نقطه پست

هر زمینی شکل، ابعاد و اندازه، و مساحت خاصی را داراست. لذا محدوده بسته‌ای را برای جانمایی بنای مدنظر برای طراحی تعیین می‌کند. طراح بنا باید در این محدوده به جانمایی قاعده بنای خود پرداخته و نوعی رابطه ما بین فضای بسته و فضای باز طرح خویش مشخص سازد. (تصویر ۱) در این راستا مسائلی نظیر وسعت بنای مدنظر برای طراحی و تصمیم اینکه در یک طبقه و یا چند طبقه توزیع گردد، میزان و نوع محوطه سبز و بازی که برای اطراف بنا مورد نیاز است، مسیر حرکت خورشید از طلوع تا غروب و قابلیت‌های بهره‌مندی از تابش آن در نقاط مختلف زمین، و راه‌های دسترسی به زمین و محل‌های ورودی (پیاده و سواره) و ... از مواردی هستند که می‌توانند به طراح در تصمیم‌گیری‌های مربوط به محل استقرار بنا، فرم، و چگونگی جهت‌گیری آن یاری رسانند (Russ, 2002)

(حالت ۱)



زمین مطرح است، حال آن‌که در زمینی صاف و هموار چنین مقوله‌ای وجود ندارد.



تصویر ۲. طریقه‌های مختلف برخورد با یک زمین شیب‌دار و نحوه استقرار بنا بر روی آن.

این امر یعنی حضور شیب و در نتیجه قسمت‌های گود و بلند در بستر طرح سبب می‌شود که مسائلی نظیر اشراف نقاط با ارتفاع بیشتر به محل‌های کم ارتفاع تر، وجود مسیرهایی برای حرکت سیلاب‌ها و آب‌های سطحی روی زمین، لزوم نوعی خاکبرداری و خاکریزی برای ایجاد سطحی مناسب جهت استقرار بنا، در نظرگیری مسیره‌ای با شیب مناسب جهت عبور ماشین و یا حرکت معلولین، پیش بینی فرم‌هایی که بر روی شیب زمین گسترده شده و با شیب زمین کنار آیند، در طراحی وجود داشته باشد و توجه طراح را به خود معطوف سازد. ولی در زمینی بدون شیب، این مسائل به صورت دیگری ظاهر می‌شوند و فکر طراح را به خود مشغول می‌سازند (Simpson, 1984). جنس خاک و مقاومت زمین هم عامل دیگری است که مقتضیات خاصی را برای طرح رقم می‌زند. این عامل در تصمیم‌گیری طراح برای فرم بنا و مسائلی نظیر داشتن طبقات و تعداد آن‌ها، وجود زیرزمین و یا عدم حضور آن در بنا، نوع سیستم فاضلاب بنا، چگونگی خاکبرداری و پی ریزی و ... موثر واقع می‌شود. برای مثال در زمین‌های ماسه‌ای کنار سواحل دریا که زمین از مقاومت بالایی برخوردار نبوده و آب‌های تحت

الارضی هم در ارتفاع نزدیک به کف زمین قرار دارند، می‌بایست تمهیدات ویژه‌ای را برای پی‌سازی و نحوه اتصال بنا به زمین اندیشید تا ضعف‌های مقاومتی زمین و مزاحمت‌های ناشی از آب‌های تحت الارضی را مهار نمود و از آسیب آن‌ها به بنا جلوگیری به عمل آورد. (Broto, ۲۰05) اطلاع از چگونگی موقعیت بستر طرح در پهنه‌بندی‌های زلزله نیز از مواردی است که تکلیف طراح بنا را در زمینه چگونگی وضعیت زمین طرح از نظر زلزله خیزی و احتمال لرزش‌های به تبع آن، نوع و شدت حرکت‌های افقی وارد بر بنا، روشن ساخته و او را در ارائه راهکارهای مناسب برای مقاوم‌سازی ساختمان در برابر زمین لرزه و تکان‌های مشابه آن مدد می‌نماید.

۳- عناصر طبیعی و مصنوعی موجود در

بستر

حضور برخی از عناصر طبیعی و مصنوعی در بستر طرح از دیگر مواردی است که باید از نگاه طراح پوشیده نمانده و جای استقرار آن‌ها در زمین، سطح اشغال، و چگونگی وضعیت آن‌ها به دقت مورد بررسی قرار گیرند. درخت و درختچه‌ها، پوشش‌های گیاهی انبوه، چشمه و قنات و جوی‌های آب روان، سنگ‌های بزرگ و یا قابل توجه موجود در بعضی از قسمت‌های بستر و یا تمامی آن، از جمله مثال‌هایی است که می‌تواند در زمره عناصر طبیعی موجود در بستر قرار گیرند. طراح بنا می‌تواند حضور این عناصر طبیعی را قدر دانسته و از آن‌ها به بهترین نحو در طرح خود بهره‌برداری نماید. این امر می‌تواند به ایجاد پیوندی مطلوب بین بنا و عناصر طبیعی بستر طرح منجر شده و نوعی زیبایی را برای ساختمان به ارمغان آورد. کاری که فرانک لویس رایت در هنگام طراحی خانه آبشار خود انجام داد و موجب شد تا آن خانه به یاد

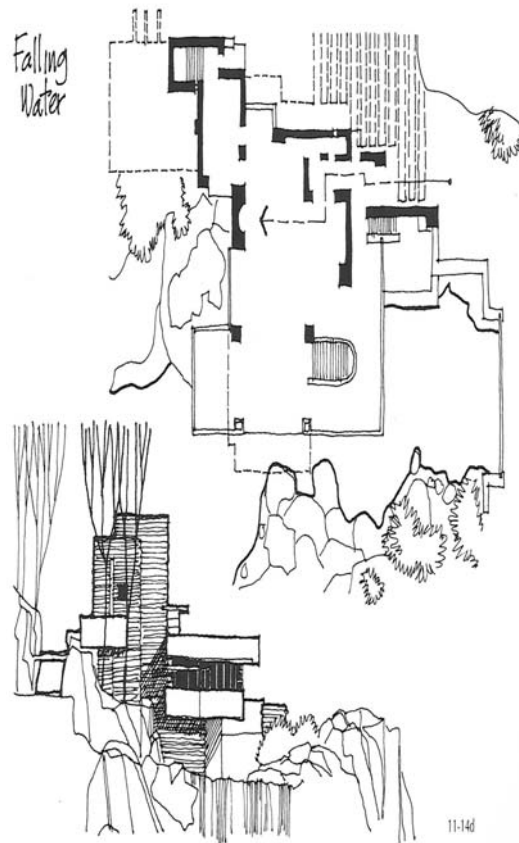
جابه‌جایی و انتقال بوده و به‌طور ثابت و همیشگی در محل‌های خود استقرار دارند. لذا لازم است که طراح بنا به‌حضور و وجود آن‌ها دقت داشته و راهکارهای مناسبی را در جهت رفع برخی از مزاحمت‌های آنان پیش‌بینی نماید.

۴- ویژگی‌های محیط طبیعی بستر

محیط‌های طبیعی موجود در پیرامون بستر از جمله نعمات خداوندی است که نگهداری و حفاظت از آن‌ها ثمرات مفید بسیاری را به‌ارمغان می‌آورد. برای مثال وجود جنگلی سرسبز، کوهی استوار و برافراشته، رودخانه‌ای تمیز و روان، آبشاری زیبا، برکه‌ای آرام و ... در اطراف بستر طرح، موهبتی الهی است که به‌سادگی در اختیار ساختمان مستقر در آن زمین قرار داده شده است. لذا جا دارد که طراح به آن توجه خاص مبذول نموده و از این قابلیت‌های خوبی که طبیعت به رایگان در اختیار وی قرار داده است، به‌نحو احسن بهره‌برداری و استفاده کند (Steenbergen, 2008). انتخاب فرم ساختمانی مناسب و به‌کارگیری اجزاء و عناصر و مصالح سازگار با محیط طبیعی اطراف سبب می‌شود تا بنابه‌گونه‌ای هماهنگ و در گفتگویی مسالمت‌آمیز با بستر طرح ایجاد گردد، نه آن‌که همچون سازی ناخوشایند و وصله‌ای نامطلوب به محیط طبیعی اطراف بستر خدشه وارد سازد.

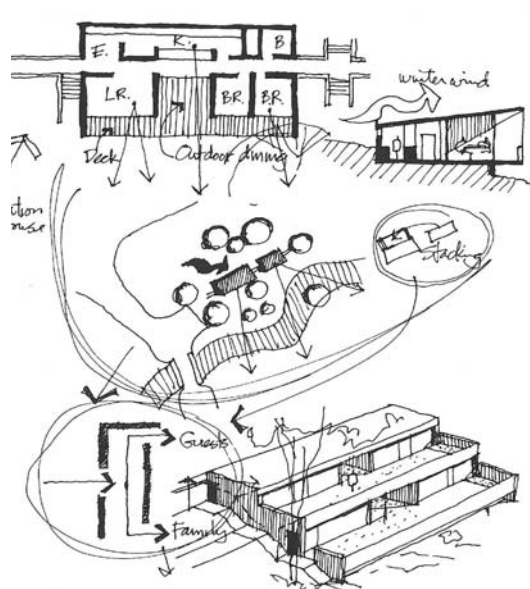
جهت‌گیری درست ساختمان و جانمایی فضاهای مهم و مناسب در لایه‌های بیرونی آن و همچنین طراحی روزنه‌هایی به جا و به اندازه در نماهای خارجی بنا نیز سبب می‌شود تا که فضاهای داخلی بنا به بهترین نحو از چشم اندازه‌های طبیعی و زیبای اطراف بستر بهره‌مند شوند و امکان دید خوب استفاده‌کنندگان بنابه مناظر خوشایند پیرامونشان فراهم گردد. (تصویر ۴)

ماندنی و زیبا را در تاریخ معماری به بار آورد، نمونه‌ای از این اقدام است. (تصویر ۳)



تصویر ۳. سایت پلان و نمای خانه آبشار (طرح فرانک لوید رایت).

تیرهای مربوط به انتقال سیم‌های برق، پست‌های فشار قوی برق و اتاقک‌های خطوط تلفن مخابرات، کانال‌های تأسیساتی مربوط به فاضلاب شهر و لوله‌های انتقال آب و گاز و امثالهم از جمله مثال‌های مربوط به عناصر مصنوعی است که می‌تواند در روی بستر طرح و یا در حاشیه‌های اطراف آن وجود داشته و مسائلی را برای طرح به‌وجود آورد. این عناصر معمولاً غیرقابل



تصویر ۴. بررسی ویژگی‌های محیط طبیعی بستر و اثرات آن در طرح.

شرایط اقلیمی و آب و هوای حاکم بر بستر نیز از جمله ویژگی‌های محیط طبیعی است که شناخت آن کمک بسیاری به طراح بنا می‌نماید. او با اتکا به این گونه اطلاعات می‌تواند فرمی سازگار و جوابگو با شرایط آب و هوایی محل را طرح کند. به این طریق اولاً به ایجاد بنایی که آسایش ساکنان را فراهم می‌سازد، همت می‌گمارد و ثانیاً موجبات استفاده بهینه از انرژی‌های فسیلی و غیرطبیعی لازم جهت به‌کارگیری دستگاه‌های تنظیم شرایط هوایی را زمینه‌سازی می‌کند (Simonds, 1978).

برای نیل به هدف فوق شناخت تمامی عوامل آب و هوایی محل نظیر میزان دمای ایام مختلف سال، مقدار رطوبت هوا، زمان و میزان بارش نزولات آسمانی، جهت و شدت وزش بادهای مطلوب و نامطلوب را باید مورد مطالعه و بررسی دقیق قرار داد. هر یک از این عوامل می‌توانند در طرح وجهی خاص از بنا مؤثر واقع شوند. اطلاع از نوع اقلیم و آب و هوای حاکم بر بستر، راهنمای

بسیار خوبی برای تصمیم‌گیری‌های معمارانه طراح است. اقلیم‌های گوناگون موجود در کشور ما: اقلیم سرد و کوهستانی (نواحی شمال غرب و تا حدودی غرب ایران)، اقلیم گرم و خشک (نواحی حاشیه کویر و تا حدودی مرکز کشور)، اقلیم گرم و مرطوب (نواحی جنوب و حاشیه خلیج فارس) اقلیم معتدل و مرطوب (نواحی کنار دریای خزر) و اقلیم معتدل، هر یک ویژگی‌های معماری خاصی را طلب می‌کند. برای مثال در اقلیم سرد و کوهستانی خوب است که حجم بنا به صورتی طرح شود که کمترین سطح تماس یا خارج را دارا باشد و به این ترتیب تبادل حرارت داخل و خارج آن به حداقل ممکن برسد. سقف بنا در این اقلیم باید به گونه‌ای طرح شود که آب برف و باران را به‌سادگی دفع کند. پی این بنا می‌باید در عمقی دور از یخبندان باشد. رنگ‌های به‌کار رفته در بنا و سطوح کف آن خوب است که موجبات جذب بیشتر پرتوهای خورشید را فراهم سازند. مصالح انتخابی برای این بنا لازم است که در برابر سرما و یخ‌زدگی مقاوم باشند و ... حال آن‌که برای طراحی یک بنا در اقلیم گرم و مرطوب، خوب است که طراح به ایجاد سایه و فراهم ساختن بیشترین کوران هوا فکر کند. سایه بان‌های مناسب برای بازشوهای بنا در جبهه‌های خارجی و انتخاب رنگ‌های روشن برای نماها تأثیر زیادی در بازتابش نور خورشید و کنترل ورود آن به داخل خانه دارد. احجام یک لایه و رو به جهت وزش بادهای مطلوب محلی می‌تواند تهویه طبیعی فضاها را در به‌حداکثر رساند. دیوارهای متخلخل و عناصری چون بادگیر باعث عبور جریان هوا و انتقال آن به داخل فضاها می‌شوند و در خنک نمودن فضاها داخلی تأثیر دارند. انتخاب مصالح مقاوم در برابر رطوبت و ضد زنگ و پوسیدگی سبب استحکام و ماندگاری بیشتر بنا در این اقلیم می‌شود.

۵- ویژگی‌های فیزیکی اطراف بستر

مناطق گوناگون شهری و روستایی کشورمان از نظر گونه‌شناسی معماری مجتمع‌های زیستی، همسان نبوده و از تنوع بسیاری در این زمینه برخوردارند (سرتیپی‌پور، ۱۳۸۸) برای مثال بافت شهرهای نواحی شمال کشور در مقایسه با ترکیب معماری شهرهای جنوبی، ضمن دارا بودن یک سری مشترکات، از تفاوت‌هایی در خور توجه نیز برخوردارند (تصویر ۵).

این مسأله نه تنها در مقیاس کلان کشور و در مقایسه مناطق مختلف آن، بلکه حتی در حد یک شهر به‌خصوص نظیر تهران و در میان محلات گوناگون آن نیز به‌چشم می‌خورد. بافت معماری محلات گوناگون این شهر بزرگ هر یک حال و هوای خاص خود را داشته و بافت فیزیکی همه محلات شهر کاملاً با هم مشابه نمی‌باشند. این مسأله سبب می‌گردد که در هنگام شناخت بستر طرح، به این مقوله نیز توجهی خاص مبذول گردیده و اطلاعات مربوط به این وجه نیز به‌صورتی دقیق از محل برداشت گردد. تا در هنگام طراحی مورد توجه طراح قرار گرفته و در طرح لحاظ گردد.

درمسیرشناخت بافت فیزیکی منطقه پیرامون بستر طرح شش گونه اطلاعات می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد:

۱. نوع بافت معماری محل

۲. چگونگی راه‌های ارتباطی

۳. وجود و نحوه ارائه خدمات عمومی

۴. تجهیزات و تأسیسات

۵. تیپ ساختمان‌های غالب در محل

۶. چگونگی همسایگان دیواره‌دیوار بستر

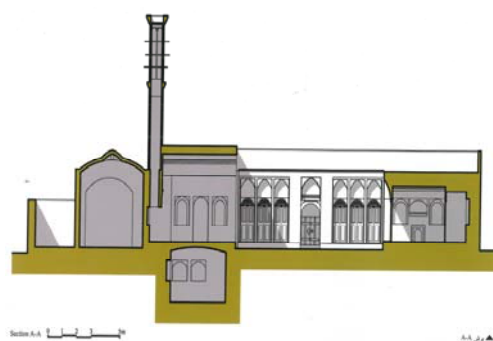
هر کدام از این شش وجه، شرایط خاصی را برای ساختمانی که قرار است در آن بستر بنا گردد، فراهم آورده و به‌گونه‌ای در طرح معمار اثر می‌گذارد.

اولین مشخصه یعنی نوع بافت معماری محل، می‌تواند در تصمیم‌گیری کلی معمار و انتخاب ایده اصلی طرح مؤثر واقع شود. برای مثال یک بافت سنتی با بناهایی که روبه‌درون دارند و در اطراف حیاط‌های مرکزی گرد آمده‌اند، با بافتی شطرنجی که دارای قواره‌های منظم هندسی زمین‌های تفکیکی برای ساختمان است، و بافتی سرسبز و باز که بناهایی به صورت ویلایی مجزا از هم و نشسته در محوطه‌ای باز و سبز و بدون حصار را داراست، با هم مشابه نیستند. لذا حضور در هر یک از این بافت‌ها، دغدغه‌های خاصی را برای طراح بنا به همراه آورده و ایده‌های معمارانه به‌خصوصی را در ذهن او رقم می‌زند. بررسی دومین مشخصه یعنی چگونگی راه‌های ارتباطی موجود در اطراف بستر، اطلاعات خوبی را در مورد نوع راه‌های محله و نحوه تردد در آن‌ها، میزان رفت و آمد پیاده و سواره، وضعیت سرعت حرکت وسایل نقلیه و نوع ترافیک معابر، و مسائلی از این دست، در اختیار طراح بنا قرار می‌دهد.

تجزیه و تحلیل این عوامل و در نظر گرفتن مواردی نظیر آلودگی‌های صوتی حاصل از آنها، نوع امنیت حاکم در محله، مناسب‌ترین امکانات دسترسی سواره و پیاده به بستر طرح و چگونگی ورود به سایت، و امثالهم، طراح را در تصمیم‌گیری برای برخی از وجوه معماری طرحش یاری می‌رساند. شناخت سومین مشخصه یعنی وجود و نحوه ارائه خدمات عمومی در محله پیرامون بستر طرح، معمار را از حضور و یا عدم حضور خدمات عمومی لازم برای ساکنان بنا مطلع می‌سازد.



خانه ای در حوالی لاهیجان.



خانه ای در حوالی یزد.

لذا شایسته است که طراح بنا در پس شناخت دقیق خدمات عمومی پیرامون بستر طرح، به هر دو جنبه مثبت و منفی آن‌ها توجه نماید و این موارد را به بهترین نحو در طرح خود لحاظ کند.

اطلاع از چهارمین مشخصه یعنی تجهیزات و تأسیسات موجود در بستر طرح معمار را در جهت بهره‌برداری هر چه بهتر از آن‌ها در ساختمان خویش کمک می‌کند. امکاناتی نظیر دسترسی به آب لوله کشی، برق، گاز، تلفن و سیستم فاضلاب نقش مهمی در کارایی یک بنا و آسایش استفاده‌کنندگان آن دارد. برای ورود هر یک از این امکانات به داخل محدوده بستر طرح و رساندن آن‌ها به بنا تمهیداتی لازم است. جا دارد که طراح بنا به این موارد و جزئیات معماری مربوط به آن دقت داشته و آن‌ها را در طرح خود اعمال نماید، تا

تفاوت ترکیب معماری در نواحی گوناگون کشور (خانه‌ای در حوالی لاهیجان و خانه‌ای در حوالی یزد به جهت هماهنگی با محیط طبیعی اطراف بنا و اقلیم از فرم و ساماندهی گوناگونی در فضاها برخوردارند).

دسترسی خوب و سریع به مراکز خرید و خدمات عمومی نظیر مراکز آموزشی و اداری و تجاری و تفریحی و ... ضمن دارا بودن حسن نزدیکی و امکان رسیدن به آن‌ها در ظرف زمانی کم و بدون اتلاف وقت، مزاحمت‌هایی را می‌تواند در پی داشته باشد که قابل تأمل است. برای مثال سر و صدای حاصل از مدرسه، رفت و آمدهای مربوط به یک مرکز اداری و پیامدهای حاصل از کمبود فضاهای لازم جهت پارک وسایل نقلیه مراجعین آن‌ها از جمله مسائلی است که می‌تواند برای ساکنان بنای مدنظر برای طراحی، مشکل‌آفرین باشد.

پیگیری مشخصه ششم یعنی چگونگی همسایگان دیواربه‌دیوار بستر طرح، امکان اعمال رویه فوق‌الذکر (مشخصه پنجم) را در مقیاس کوچک‌تر و با جزئیاتی ظریف‌تر و دقیق‌تر فراهم می‌سازد. اگر در مشخصه پنجم، طراح به‌نوعی همسازی و هم‌نشینی بنا در محله و با منطقه کلان‌پیرامون بستر اندیشه می‌کرد، حال در مشخصه ششم در شعاع محلی کوچک‌تر به ارتباط و گفتگوی نزدیک و رودرروی بنای خود با همسایگان دیواربه‌دیوارش نظر می‌افکند و برای آن راهکاری مناسب ارائه می‌نماید. در این راستا موضوعاتی نظیر وجود سایه ساختمان‌های همسایه بر روی بستر طرح، مانع بودن یا نبودن در مسیر وزش بادهای مطلوب و یا نامطلوب بستر، وجود سروصداها مزاحم در پیرامون بستر، امکان اشراف افراد بیگانه به سایت و سلب حریمیت از محوطه بستر طرح، وضعیت حجم و نماهای خارجی ساختمان همسایگان دیوار به دیوار و امثال آن می‌تواند طراح را در ارائه راهکارهای کنترل‌کننده و یا سازنده طرح یاری رساند.

۶- ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی و

اقتصادی پیرامون بستر

به موازات بررسی ویژگی‌های فیزیکی محیط پیرامون بستر، شناخت ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی حاکم بر منطقه مورد شناسایی نیز در خور توجه و نیازمند به دقت و حساسیت است. در حقیقت ساختار فیزیکی برابند و محصول بافته شده بر روی تاروپودهای در هم تنیده فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی موجود در محل است. لذا شناخت ساختار اخیر موجب درک هر چه بهتر و عمیق‌تر ساختار فیزیکی و فهم بنیایی‌تر محیط کالبدی شده و سبب می‌گردد تا معمار با علم بیشتری در جهت طراحی و

خدای نا کرده پس از اتمام طراحی و ساخت بنا، ساختمان با تغییراتی ناخواسته در جهت استفاده از این تجهیزات روبه‌رو نگردد.

بررسی مشخصه پنجم، تیپ ساختمان‌های غالب در محل، اطلاعاتی را در مورد وضع ظاهری ساختمان‌های موجود در اطراف بستر طرح، نوع تراکم بناها، خط آسمان و زمین، مصالح بکار رفته در نماها و شکل و شمایل خارجی ساختمان‌ها به معمار می‌دهد. داشتن این اطلاعات طراح را در جهت اتخاذ تصمیماتی برای فرم بنا و چهره بیرونی آن کمک می‌کند. به این ترتیب او می‌تواند با توجه به نوع رابطه و گفتگویی که بین بنای خود و اطرافش پیش‌بینی می‌کند، ایده‌های معمارانه مناسب را ارائه نماید. در حالتی خاص و چنانچه ساختمان‌های یک محله رویه احترام و سازگاری با یکدیگر را در پیش گیرند، بافت معماری آن محل به گونه‌ای در جهت هماهنگی و وحدت سبک رشد کرده و به نوعی شخصیت و هویت خاص معماری نزدیک می‌شود (تصویر ۶).



تصویر ۶. نمونه‌هایی از بافت‌های معماری با هویت (ماسوله و ایبانه).

ارائه راهکارهای جدید و بدیع گام بردارد و ناخودآگاه در جهت بی احترامی و یا حرمت شکنی ساختارهای مردم، حرکتی انجام ندهد. در این راستا کسب آگاهی از سه مقوله کمک شایانی به معمار خواهد کرد:

۱. شناخت الگوهای بومی معماری

۲. اطلاع از ضوابط عرفی و یا قانونی ساخت و ساز

۳. شرایط فرهنگی، اجتماعی، و اقتصادی ساکنان محل.

در کشور ما ایران، به جهت وجود شرایط اقلیمی گوناگون و حضور مردمانی با قومیت‌ها و فرهنگ‌های مختلف، الگوهای بومی متفاوتی برای معماری پدید آمده و در طول زمان دنبال شده است. در این سیر زمانی، الگوهای معماری خود را با شرایط فرهنگی و اجتماعی و اقلیمی و ... حاکم در محل انطباق داده و به درجه‌ای از رشد و تکامل رسیده‌اند. لذا شناخت و تعمق در این ساخته‌ها می‌تواند درس‌های ارزنده‌ای به‌همراه داشته و اطلاعات پایه‌ای خوبی را در اختیار معمار قرار دهد. تا چنانچه او مایل باشد که هم‌چنان راه گذشتگان را ادامه داده و یا برعکس در صورتی‌که بخواهد از آن الگوهای رایج خارج شده و با خلاقیت و نوآوری ایده جدید دیگری را ارائه دهد همواره بر مبنای شناختی دقیق و طرحی سازگار با وضع موجود گام بردارد.

به‌منظور نیل به هدف فوق نه تنها مشاهده و تعمق در نمونه‌های ساخته شده معماری در محل و بررسی و تأمل در آثار تاریخی و تجربیات گذشته معماری لازم است، بلکه آگاهی از ضوابط عرفی و نانوشته متداول در بین مردم و یا قوانین نوشته شده و مکتوب مربوط به ساخت و ساز نیز ضرورت دارد. این اطلاعات را می‌توان از دو راه:

۱. گفت‌گو با ریش‌سفیدان و افراد مطلع محلی

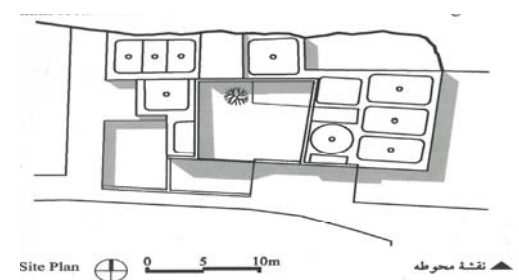
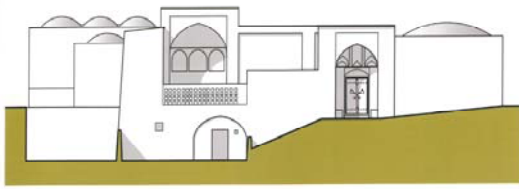
۲. از طریق مراجعه به ادارات و نهادهای قانونی

متولی امر ساخت‌وساز در آن محل، به‌دست آورد

با انجام مطالعات مربوط به ضوابط و استانداردهای معماری، و رعایت قوانین و مقررات مطرح شده در مورد طرح هر بنا، معمار می‌تواند تا حد زیادی نسبت به پذیرش طرح و ایده معماری خود در میان مردم محل، و یا تصویب و صدور اجازه ساخت آن از طرف نهادهای قانون‌گذار و ناظر بر ساخت و اجرای ساختمان‌ها، خوش‌بین بوده و در این راه با مانع و مشکلی جدی برخورد نکند. قابل ذکر است که قوانین و ضوابط مربوط به ساخت و ساز، در کلیه مراحل طراحی، و در تمامی مراتب مربوط به کلیات و نیز جزئیات طرح دخیل بوده و اثرگذار می‌باشد. برای مثال مواردی نظیر نوع کاربری زمین و میزان تراکم و سطح اشغال بنا، فاصله ساختمان‌ها از یکدیگر و میزان عقب‌نشینی از حدود ملک و معابر، مقررات مربوط به زلزله و آتش‌سوزی و سازگاری محیط برای معلولین، درصد شیب رامپ‌های عبور ماشین، ابعاد نورگیرها و حداقل اندازه و ارتفاع برخی فضاها و ... نمونه‌هایی از ضوابط و مقرراتی است که به معمار در زمینه تصمیم‌گیری برای کلیات و جزئیات طرح، نکاتی را گوشزد می‌نمایند.

سومین مقوله شایسته بررسی و شناخت در حوزه ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی پیرامون بستر، نوع بافت فرهنگی و اجتماعی ساکنان محل، و چگونگی وضعیت اقتصادی مردم ساکن در آن است. اقشار گوناگون فرهنگی، از شخصیت‌های مختلفی برخوردار بوده و رفتار و منش‌های خاص خود را دارا هستند. این صفات در نوع کارکردهای فضاها، مختلف یک بنا و چگونگی استفاده آن‌ها توسط استفاده‌کنندگان اثر داشته و در بناهای مختلف، با توجه به نیازهای خاص بهره‌برداران آن، حالت‌های به‌خصوصی از ایده‌های معماری و طرح جزئیاتی

طراحی، انجام مطالعات مربوط به بستر طرح از اهمیت بسیاری برخوردار است. داشتن اطلاعاتی کامل و دقیق از مشخصات بستر طرح، و ویژگی‌های مختلف حاکم بر محدوده ملکی و منطقه‌ای آن، به طراح کمک می‌کند تا در رابطه با ایده معماری خود و چگونگی جانمایی آن در بستر طرح تصمیم منطقی و عقلانی را اخذ نماید.



تصویر ۷. توجه به نوع بافت فرهنگی و اجتماعی و چگونگی وضعیت اقتصادی ساکنان محل در طراحی، (در این خانه که در حوالی زرنند کرمان بنا شده است، برای ورودی دام به بخش مربوطه با استفاده از شیب زمین ورودی جداگانه‌ای پیش بینی شده است).

همه‌انگ و سازگار با آن را ضروری می‌سازد. جایگاه اجتماعی ساکنان، نوع و میزان روابط اجتماعی آنان نیز در چگونگی طرح معماری مناسب برای زندگی آنان اثرگذار است. برای مثال در برخی از محلات شهر اقدار مذهبی‌تری که علاقه‌مند به حفظ نوعی حریم و حجاب برای خانه‌های خود هستند، ساکن بوده و بافت محلات آنان منطبق با این ویژگی‌ها شکل گرفته است. حال آن‌که در محله‌ای دیگر مردمی برون‌گرا و دارای روابط اجتماعی بازتری سکونت کرده و بافت محله و حال و هوای حاکم بر آن، از نوع دیگری است. شناخت این‌که بستر طرح در کدامین منطقه از شهر و در چه نوع محله‌ای قرار دارد، طراح را در ارائه راهکارهای مناسب معماری راهنمایی می‌کند.

چگونگی وضعیت اقتصادی مردم ساکن در یک محل نیز از دیگر عوامل مهمی است که معمار را در تصمیم‌گیری‌های مربوط به شخصیت طرح مناسب با میزان هزینه ساخت آن، تأسیسات منطبق با شرایط اقتصادی ساکنان بنا، توانایی مالی استفاده‌کنندگان در پرداخت هزینه‌های مربوط به حفظ و نگهداری از بنا، و مواردی نظیر این‌ها، هدایت کرده و به جهت‌گیری‌های او سمت‌وسویی خاص می‌بخشد (تصویر ۷).

ویژگی‌های نماهای خارجی بنا و چگونگی نمود بیرونی، نحوه مجاورت و هم‌نشینی بنا با ساختمان‌های اطراف و رعایت شأن اجتماعی و اقتصادی آن‌ها، نوع ورودی و نحوه اتصال آن با معابر، وضعیت لبه‌های کنار معابر و مواردی از این قبیل نیز از دیگر جزئیاتی است که خوب است متناسب با وضعیت اقتصادی حاکم بر محله طرح گردد.

نتیجه

در مسیر طراحی معماری، و در مرحله جمع‌آوری اطلاعات و شناخت کامل و دقیق تمامی عوامل اثرگذار در

در طی مسیر فوق طراحی می‌تواند اولاً از قابلیت‌های مثبت و مفید بستر مطلع بوده و از آن‌ها به بهترین نحو ممکن در طرح خود بهره‌برداری نماید، و ثانیاً قادر خواهد بود با آگاهی دقیق از مزاحمت‌ها و نقاط ضعف و منفی موجود در بستر، به مقابله با آن‌ها پرداخته و راهکارهایی مناسب و خلاقانه را به منظور دفع اثرات ناخوشایند این عوامل و یا تقلیل شدت اثر آنها پیش‌بینی نماید. پیگیری این رویه سبب می‌شود که بنای طرح شده برای بستر، با اعمال ملاحظات حساس و ظریفی بر تمامی عوامل مثبت و منفی موجود در زمین شکل گرفته، و لذا این قابلیت را داشته باشد که با تمامی شرایط خوب و بد حاکم بر بستر طرح کنار آمده، و بنا و محوطه در اختیار آن با سازگاری و هم‌نشینی مسالمت‌آمیز در کنار هم حضور یابند.

مشخصات بستر طرح مسائل بسیاری را شامل می‌گردد. (از مواردی جزئی نظیر شکل و ابعاد زمین، تا مقولاتی کلی نظیر شرایط اقلیمی و ویژگی‌های فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی حاکم بر منطقه). هر یک از این مشخصات در مرتبه‌ای خاص از تصمیم‌گیری‌های یک معمار و در مورد جنبه‌ای به‌خصوص از طراحی یک بنا تأثیر داشته و در ظهور فکر و ایده‌ای سازگار و جوابگو با آن شرایط دخیل می‌گردد. در این مقاله سعی گردید که به ذکر این عوامل و ارائه توضیحاتی در پیرامون هر یک از آن‌ها مبادرت گردد.

منابع

- سرتیپی پور، محسن؛ خانه‌های روستایی ایران، تهران، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۸۸.
- سرتیپی پور، محسن؛ بررسی تحلیلی مسکن روستائی در ایران، صفه، شماره ۴۹، تهران، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۸.

- لازویو، پل؛ تفکر ترسیمی برای معماران و طراحان، ترجمه سعید آقائی و محمود مدنی، تهران، هنر و معماری، ۱۳۷۷.

- Broto, Carles, Houses on difficult sites, Barcelona, Spain, Jonqueres, 2005

- De Chiara, Joseph, Koppelman, Lee E., Site planning standards, London, McGraw-Hill, 1978.

- Lynch, Kevin, Site planning, Cambridge, Mass, M.I.T. Press, 1971.

- La Gro, Jr., James A., Site analysing: linking program and concept in land planning and design, Newyork, John Wiley&sons, 2001.

- Russ, Thomas H., Site planning and design handbook, New York, McGraw-Hill, 2002.

- Rydin, Yvonne, Conflict, Consensus, and rationality in environmental planning: an institutional discourse approach, Oxford, Oxford university press, 2003.

-Simond, John Ormshee, Landscape architecture: a manual of site planning and design, Newyork, McGraw-Hill, 1983.

- Simonds, John Ormsbee, Earthscape: a manual of Environmental planning, Newyork, McGraw-Hill, 1978.

-Simpson, B.J., and Purdy, M.T., Housing on the sloping sites: A design guide, London, construction Press, 1984.

- Steenbergen, Clemens M., Composing landscape: analysis, typology, and experiments for design, Basel. Boston. Berlin, Birkhauser, 2008.

سایت‌های مورد استفاده:

www.memaran.ir

Parsa-tour.com

Development Approach in H. Coccossis and P.